

# همیشه‌ری

صفحه  
آخر

محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد  
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید  
حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛  
هر اندوهی را گشایشی است.

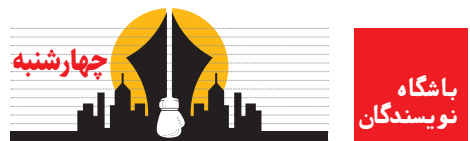
■ آدان تلهر: ۱۳۰۸ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۴  
■ آدان مفسر: ۲۰:۴۵ ■ نیمه شب مشرقی: ۰۰:۱۵  
■ آدان صبح: ۴:۰۵ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۲

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی  
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فریسی، شماره ۱۲  
■ کد پستی: ۹۵۹۵۶-۹۶۶۶-۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴  
■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۲۳۰۰، شماره ۰۲۱-۲۳۰۴۰۶۰۷

■ چاپ: همشهری  
■ همشهری: www.hamshahrionline.ir  
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir  
■ توزیع و اشتراک:  
■ موسسه نشر گستر امروزین  
■ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

■ سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:  
■ خیابان قائم مقام فرهادی، میدان شمع، خیابان شهید خدای  
■ شماره: ۲۹- طبقه اول، تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۲۱۷۰-۸۳۳۶۱۸۱۹



## پول بده، فحش ندم

■ ونوس بهنود  
■ روزنامه‌نگار



پسر خاله برای همه بی مزد و بی منت  
نفت می گرفت، هر پیرزن و پیرمردی  
در خواست کمک می کرد، جواب رد

نمی داد، می رفت به همسایه‌هایی که در بستر بیماری بودند، می گفت که چیزی می‌خوای؟ نون بگیرم؟ نفت بگیرم. در دروای که مردم گالن گالن نفت به خانه‌هایشان می‌بردند و بازی بچه‌هایشان گل کوچک و خاله بازی بود، تصور نمی‌شد به جایی برسیم که کودک کار دیگری هر کار خود را با مزد و منت انجام بدهد.

مهمونی هر چند به اعتقاد منتقدان و تماشاگران سراسر بنا آموزی و بددهنی یک کودک کار است که باید دست روی دهانش گذاشت تا فحش‌های رکیک ندهد اما سبیر تاریخی آسیب‌های اجتماعی ماست. از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰ همه متولدین با شخصیت‌های

عروسکی کلاه قرمزی و پسر خاله و در ادامه بچه آشنا هستند. کسی نیست که مردانگی پسر خاله و آن حجم از فدکاری را منکر شود. با شیظنت‌های بانمک کلاه قرمزی و دل صاف و ساده‌اش را. ۲ شخصیتی که بچه‌های دهه شصتی اغلب تلاش می‌کردند خوششان را شبیه آنها کنند و در زندگی سختی پذیر، مهربان، متعهد و فداکار باشند. پسر خاله همه کیک‌های مسموم روی زمین را جمع کرده بود و ذرات باقی مانده را خورده بود. می‌گفت مورچه‌ها که نمی‌دانند کیک سسمی است می‌خورند و می‌میرند. کلاه قرمزی هم می‌گفت آخی. آقای مجری از شیظنت‌های آنها کمی داد و بیداد می‌کرد و بزرگ‌ترین عید را قایم می‌کرد تا یکباره همشان را نخوردند و مریض شوند و در مقابل هر دو با آقای مجری با احترام صحبت می‌کردند و به حرفش گوش می‌دادند. کسی داد نمی‌زد

طهماسب بلکه خطاب به او، آقای مجری با همسان زبان کودکانه بود. ایرج طهماسب در برنامه مهمونی واقفیت اجتماعی روز را به صورت تماشاگر بر تپان می‌گفت. واقفیتی که همه مان از پذیرش آن راهمه و اکراه داریم و حتی نمی‌خواهیم باور کنیم. شخصیتی عروسکی را معرفی می‌کند که به شدت بد رفتار و بددهان است.

منفعت طلب است و حرف بزرگ‌تر نمی‌فهمد. دلخواهی رفتار می‌کند و برای هیچ کس احترامی قابل نیست. وسایل دیگران را بی‌اجازه می‌برد و در واقع می‌زد و حاضر به پس ندانیدن نیست. زمانی که احساس خطر می‌کند، نرم می‌شود و با عجز و التماس سعی می‌کند طرف مقابل را متاثر کند. به هر کس و تا کس می‌دهد

زمان که بخواهد فحش می‌دهد و تهدیدش می‌کند. طهماسب دیگر آقای مجری نیست بارها می‌گوید با بچه‌هایشان درست رفتار کنید، محبت کنید تا کمبودی نداشته باشند. اما آن شخصیت به ظاهر تلخ این چهره به ظاهر دوست‌داشتنی اما سراسر بحران و معضل فکری و فرهنگی مگر با ما غریبه است؟ مگر نه این است که در هر کوی و برزنی امروز چنین تفکری را تجربه می‌کنیم؟ مگر به غیاز این است که کودکان دستفروش خیابان و مترو با پرویی به دنبال فروش اجناس خود هستند؟ هیچ کاری را مجانی انجام نمی‌دهند

و برای هر محبتی به دنبال اجر و مزد می‌گردند؟ سؤال این است که چگونه ما از شخصیت پسر خاله که گل هدیه می‌داد یا شخصیت کلاه قرمزی که از هر جایی می‌توانست برای آقای مجری گل می‌چید به پسرک گل‌فروشی رسیده‌ایم که اگر به گل هایش دست بزنیم و نخری می‌خواهد چوب در دهانت کرد؟ سؤال این است که آیا هشدار بچه به گوش ما رسیده است و یا همچنان به دنبال این هستیم که گزیده قیام‌هایش را ببینیم و بخندیم و از پررو بازی‌اش خوشمان بیاید؟ طهماسب، معضلی به نام خودخواهی را در چهره بچه به ما نشان می‌دهد. کار شناسان فقط می‌گویند مبادا بچه شما این برنامه را تماشا کند و حرف بد یاد بگیرد. در حالی که مسئولانی که متولدین دهه‌های ۵۰ و ۶۰ هستند لازم است بچه را ببینند و بی

به عمق معضلات رفتاری و اخلاقی جامعه بپردازند. بچه‌ها متطور که رک حرف می‌زنند، پیام رسان رک و شسته‌رفته‌ای از واقعیت جامعه است. از اختلاف‌های طبقاتی، از ترویج بی مسئولیتی و بی وجدانی و خودخواهی، به جای انکار صورت مسئله باید به این سؤال پاسخ داد، چطور از محبت بی منت کلاه قرمزی و از پسر خاله به جایی رسیدیم که باید پول بدهیم تا فحش نشنوم؟

## اهدای مردانه خون در ایران

■ فاطمه عباسی

آمارها گواهی می‌دهند که سالانه در ایران کم‌کم دواطلبان و بندگان هیچ چشم‌داشتی برای اهدای خون اعلام آمادگی می‌کنند که در بین آنها ۲ میلیون و یکصد هزار نفر شرایط اهدای خون را دارند و موفق به اهدا می‌شوند. اما از بین این ۱۱۰ میلیون نفر، حدود یک میلیون و ۹۹۰ هزار نفر مرد و تنها برای اهدای خون فقط هلدرد است، در حالی که ۲۰ میلیون نفر از خانم‌های ایرانی شرایط اهدای خون را دارند. اینکه چرا استقبال از اهدای خون توسط بانوان کم‌تر است، موضوعی است که همواره مسئولان و کارشناسان حوزه سلامت و به‌خصوص مسئولان سازمان انتقال خون بر آن تأکید دارند، چرا که در کشورهای توسعه‌یافته مشارکت بانوان برای اهدای خون بالای ۵۰ درصد است. شاید عجیب باشد اما یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش میزان اهدای خون در زنان عوامل دیگری است که باعث میزان پایین اهدای خون بانوان ایرانی می‌شود. اما باید بدانید که آقایان ۴ بار در سال و بانوان ۲ بار در سال امکان اهدای خون دارند و مشکلی هم برایشان ایجاد نمی‌شود. دانستن این نکته که در بسیاری از اعمال جراحی قلب، زنان باردار، نوزادان، سوانح و حوادث و سوختگی‌ها نیاز به یکی از فرآورده‌های خونی وجود دارد و اگر این خون و فرآورده‌های خونی در مراکز درمانی نباشد، بسیاری از اتاق عمل‌ها مختل می‌شوند، یا اینکه بیماران تالاسمی در ماه سه بار خون دریافت می‌کنند که در غیر این صورت حیات آنها به خطر می‌افتد و تهیه فاکتورهای انعقادی برای بیماران هموفیلی از پلاسما به عنوان یکی از فرآورده‌های خونی است، می‌تواند اهمیت اهدای خون و نیاز به مشارکت بالاتر بانوان را در این امر خیر بیشتر روشن کند.



■ تقویم / زادروز

## خلبان سیاره محبوب



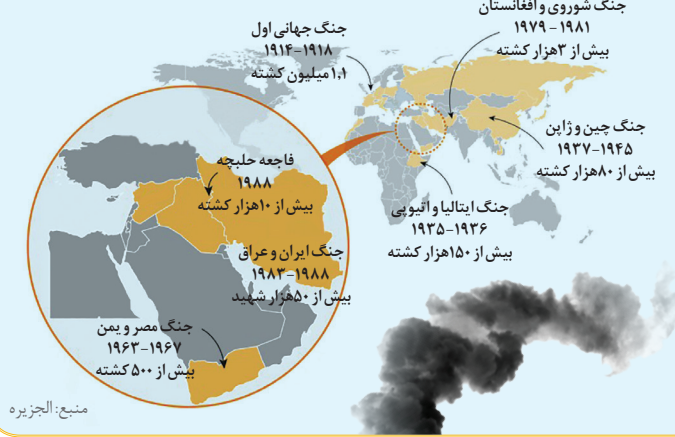
اینجا جزیره کرس است. نیروی هوایی پاریس بعد از سقوط این کشور به دست نازی‌ها آواره شده و اسکاگردان ۱۳/۲۳ الان اینجا است. روی تخته، برنامه پروازهای جنگی ۱۶م ۱۹۴۴ نوشته شده و نوی ردیف دوم اسم «آنتوان دوسنت اگزویری» را می‌بیند که قرار است ساعت سه و نیم بپرد. دوستان او نمی‌دانند که یک ماه بعد، او آخرین پروازش را انجام خواهد داد. خوانندگانش هم نمی‌دانند که نویسنده‌ای با آن همه لطافت، خلبان یک بمب افکن است.

آنتوان در شهر لیون و در یک خانواده کاتولیک و نخبه‌سالار متولد شد و شجره‌نامه این خانواده تا چندین قرن قدمت داشت. سومین فرزند از ۵ فرزند مارتن لوی ماری دو سوسنت اگزویری و ویکتور آندره لوییز ماری دو فونسی کلمب بود.

پیش از آنکه او را به عنوان نویسنده بشناسند، خلبان تجاری موفقی بود که در خطوط پست هوایی میان اروپا، آفریقا و آمریکای جنوبی کار می‌کرد. سال ۱۹۲۳ بود که به پاریس رفت و بعد از تجربه مشاغل مختلف، نوسندگی را انتخاب کرد. عمده شهرتش به واسطه کتاب شازده کوچولو و نوشته‌های تغزلی‌اش با عنوان زبان انسان‌ها و پرواز شبانه است. آثار او، از جمله کتاب شازده کوچولو به ۳۰۰ زبان و گویش ترجمه شده است. با آغاز جنگ جهانی دوم، هر چند از دیدگاه سن و وضعیت سلامتی در شرایط مطلوبی نبود، اما به نیروی هوایی فرانسه آزاد در شمال آفریقا پیوست. در ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۴ برای پرواز اکتشافی بر فراز فرانسه اشغال شده از جزیره کریس در دریای مدیترانه به پرواز درآمد و پس از آن دیگر دیده نشد.

دلیل سقوط هواپیمایش هیچ‌گاه مشخص نشد، اما در اواخر قرن بیستم پس از پیدا شدن لاشه هواپیمایش اینطور به نظر می‌رسید که برخلاف ادعاهای پیشین، او هدف آلمانی‌ها واقع نشده، چرا که روی هواپیمایش اثری از تیر دیده نمی‌شد و گمانه‌زنی‌ها بر این اساس بود که سقوط هواپیمایش به دلیل نقص فنی بوده است.

## خاورمیانه فرودگاه سلاح‌های شیمیایی



امروز هشتم تیرماه روز جهانی منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی است. پیشینه استفاده از مواد شیمیایی در جنگ‌ها به ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد که جنگجویان از بمب‌های بخار گوگرد استفاده می‌کردند. این روزها اما تقاضا برای سلاح‌های شیمیایی باعث شده شرکت‌هایی سری در چند کشور پیرو نظام سرمایه‌داری اقتصادی آنها را تولید کنند. مطالعه تاریخ جنگ‌ها نشان می‌دهد این سلاح‌ها پیش از هر کجای دیگر در غرب تولید و بیش از هر کجای دیگر در خاورمیانه علیه بشریت استفاده می‌شوند. اینفوگرافی حاضر بخشی از ابعاد جغرافیایی و شمار قربانیان این سلاح نانوچرمدانه را به تصویر می‌کشد.

## اول آخر

طرح واکسیناسیون دام‌ها در حوزه آبریز کرخه ■ عکس: امین نظری



منبع: الجزیره

## میراث من

و معماری هخامنشی چندین نمونه از آن مشاهده می‌شود که گمان می‌رود از این حوض‌ها و آبریزها در مراسم مذهبی مانند تطهیر استفاده می‌شده است. اما حوض نوستانی شهرها و آپارتمان‌نشینانی این عصر معماری ایرانی حذف شده است اما حس دلپذیر و مانوس در مواجهه با این آینه زلال خصوصاً در تابستان انکارناپذیر است. گویی همه ما لحظه‌ای به‌غایت خوش را در فضایی که حوض در آن طراحی کرده است، در گذشته جا گذاشته‌ایم. این آبی‌گاه کوچک و بزرگ سبقای طولانی در تاریخ معماری ایرانی دارد. حوض در معماری ایرانی مانند بسیاری دیگر از عناصر علاوه بر کارکرد عملی جنبه‌های زیبایی‌شناختی و نمادین دارد. نخست آنکه از دیرباز اب عنصری حیاتی نزد ایرانیان بوده است و ساخت معابد آنها هینا (اله) نگهدارنده آب گواه قداست و اهمیت آب است. به علاوه در باورهای کهنی آن اسلام، آب مایه پاکی و حیات‌بخشی است. جایگاه و باور به جنبه‌های نمادین آب و همچنین در نظر گرفتن کاربرد آن به عنوان فضایی برپای نگهداری آن به گونه‌ای است که رد پای وجود حوض در معماری ایرانی را به پیش از اسلام برمی‌گرداند. در آثار باقی‌مانده از پاسارگاد

## آبی دلچسب



■ سارا افریخان

اگرچه امروزه از حوض تنها خاطره و نوستالژی به‌جا مانده است و عملاً در نوسازی شهرها و آپارتمان‌نشینانی این عصر معماری ایرانی حذف شده است اما حس دلپذیر و مانوس در مواجهه با این آینه زلال خصوصاً در تابستان انکارناپذیر است. گویی همه ما لحظه‌ای به‌غایت خوش را در فضایی که حوض در آن طراحی کرده است، در گذشته جا گذاشته‌ایم. این آبی‌گاه کوچک و بزرگ سبقای طولانی در تاریخ معماری ایرانی دارد. حوض در معماری ایرانی مانند بسیاری دیگر از عناصر علاوه بر کارکرد عملی جنبه‌های زیبایی‌شناختی و نمادین دارد. نخست آنکه از دیرباز اب عنصری حیاتی نزد ایرانیان بوده است و ساخت معابد آنها هینا (اله) نگهدارنده آب گواه قداست و اهمیت آب است. به علاوه در باورهای کهنی آن اسلام، آب مایه پاکی و حیات‌بخشی است. جایگاه و باور به جنبه‌های نمادین آب و همچنین در نظر گرفتن کاربرد آن به عنوان فضایی برپای نگهداری آن به گونه‌ای است که رد پای وجود حوض در معماری ایرانی را به پیش از اسلام برمی‌گرداند. در آثار باقی‌مانده از پاسارگاد



## خاطرات یک فروشنده

## ساید متالیک



■ فرشته شیخ‌الاسلام

کوتاه تا ما خانه بخیریم. اصلاً شاید هیچ وقت نتوانیم. چرا وعده سر خرمن می‌دهید؟ پسر درهای فریزرها را یکی یکی باز می‌کند و دستش را تا آخر می‌برد تو. انگار دارد عمق فریزرها را با هم مقایسه می‌کند. به یک مدل که طول و عرض بیشتری نسبت به بقیه دستگاه‌ها دارد، می‌رسد و مثل از شمیدس فریاد باقیمت می‌دهد. بین این جشمش روی هم از ساید هم بیشتر است. ولی نشانی از خوشحالی در چهره دختر پیدا نمی‌شود. چرا ساید، سلیقه من دستت نمی‌آید. مهم فقط اندازه‌اش نیست. تازه بگیریم که ساید هم نخیریم. این سفید است. من دارم همه وسایل را با متالیک بر می‌دارم. پسر گویی در میدان مین ایستاده و نقشه معبر دست من است، اول با نگاه، بعد با کلام می‌پرد: نقره‌ای این را ندارند. دارند یعنی، ولی فریزر خوب است دیگر. مگر فریزر پایین هم هست؟ نه‌امن دنبال ساید هستم. وا؟ ساید برود توی آن آشپزخانه، آن وقت خودت کجا بروی؟ اذیت نکن دیگه مامان. اذیت چیه؟ یخچال خواهرت توی اتاق کنشی داغون شد. منم همین را می‌گویم حاج خانم. می‌گویم الان یک چیز متوسطی برای رفع احتیاج بخیریم. بعد به سلامتی رفتم خانه خودمان هر چی دوست داریم. ان‌شاءالله... ان‌شاءالله همه وسایل‌تان را تبدیل به احسن کنید. وای مامان، چی ان‌شاءالله، ان‌شاءالله.

پسر، در شیشه‌ای و سسنگین فروشگاه را با یک حرکت باز می‌کند. در را نگه می‌دارد و دستش را در حائل می‌کند. دختر از زیر دستش رد می‌شود. همینطور دارند با هم حرف می‌زنند. پسر می‌گوید: من که نمی‌گویم ساید بد است! می‌گویم توی آن آشپزخانه نقلی جانی شوی! دختر بقیه تاخوردن پیراهن پسر را صاف می‌کند و می‌گوید: با یک بار وام از دوای می‌دهند. بعد هم هر سال که نمی‌خواهیم یخچال بخیریم. در دوباره بازمی‌شود و خانم می‌نماید: بیسن نفس زدن هایش می‌گوید: ماشاءالله چه تند راه می‌روی! با هم برمی‌گردند: آخ! بخرشید جای‌تان گذاشتیم. توی مغازه قبلی داشتیم ال‌سی‌دی‌ها را می‌دیدم. جاجی وقت فوتبال همه‌اش می‌گوید برویم خانه بچه‌ها. تسوی تلویزیون خودمان که هیچی معلوم نیست. نگاه می‌کنم خریدارانه تمام بخش وسایل برقی می‌اندازد و می‌گوید: حالا چیزی بسند کردید؟ نه مامان. برندی که دنبالش هستم را ندارند. دارند یعنی، ولی فریزر خوب است دیگر. مگر فریزر پایین هم هست؟ نه‌امن دنبال ساید هستم. وا؟ ساید برود توی آن آشپزخانه، آن وقت خودت کجا بروی؟ اذیت نکن دیگه مامان. اذیت چیه؟ یخچال خواهرت توی اتاق کنشی داغون شد. منم همین را می‌گویم حاج خانم. می‌گویم الان یک چیز متوسطی برای رفع احتیاج بخیریم. بعد به سلامتی رفتم خانه خودمان هر چی دوست داریم. ان‌شاءالله... ان‌شاءالله همه وسایل‌تان را تبدیل به احسن کنید. وای مامان، چی ان‌شاءالله، ان‌شاءالله.

پسر، در شیشه‌ای و سسنگین فروشگاه را با یک حرکت باز می‌کند. در را نگه می‌دارد و دستش را در حائل می‌کند. دختر از زیر دستش رد می‌شود. همینطور دارند با هم حرف می‌زنند. پسر می‌گوید: من که نمی‌گویم ساید بد است! می‌گویم توی آن آشپزخانه نقلی جانی شوی! دختر بقیه تاخوردن پیراهن پسر را صاف می‌کند و می‌گوید: با یک بار وام از دوای می‌دهند. بعد هم هر سال که نمی‌خواهیم یخچال بخیریم. در دوباره بازمی‌شود و خانم می‌نماید: بیسن نفس زدن هایش می‌گوید: ماشاءالله چه تند راه می‌روی! با هم برمی‌گردند: آخ! بخرشید جای‌تان گذاشتیم. توی مغازه قبلی داشتیم ال‌سی‌دی‌ها را می‌دیدم. جاجی وقت فوتبال همه‌اش می‌گوید برویم خانه بچه‌ها. تسوی تلویزیون خودمان که هیچی معلوم نیست. نگاه می‌کنم خریدارانه تمام بخش وسایل برقی می‌اندازد و می‌گوید: حالا چیزی بسند کردید؟ نه مامان. برندی که دنبالش هستم را ندارند. دارند یعنی، ولی فریزر خوب است دیگر. مگر فریزر پایین هم هست؟ نه‌امن دنبال ساید هستم. وا؟ ساید برود توی آن آشپزخانه، آن وقت خودت کجا بروی؟ اذیت نکن دیگه مامان. اذیت چیه؟ یخچال خواهرت توی اتاق کنشی داغون شد. منم همین را می‌گویم حاج خانم. می‌گویم الان یک چیز متوسطی برای رفع احتیاج بخیریم. بعد به سلامتی رفتم خانه خودمان هر چی دوست داریم. ان‌شاءالله... ان‌شاءالله همه وسایل‌تان را تبدیل به احسن کنید. وای مامان، چی ان‌شاءالله، ان‌شاءالله.

## گر بنویج

## مرگ در برابر تابلوی پیکاسو



مادرید: چند ساعت مانده به برگزاری اجلاس ناتو در اسپانیا حدود ۳۰ فعال ضدجنگ در اقدامی اعتراضی در مقابل تابلوی نقاشی «گر نیکا» پیکاسو خودشان را به مردن زدند تا پیام اعتراضی خود را به سران کشورهای عضو ناتو برسانند. به گزارش رویترز، سازمان دهندگان این تجمع اعتراضی با عنوان انقراض شورش و جمع‌ها برای آینده در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند معتزمان انتقاد نظامی، ناتو را بابت وقوع جنگ در اوکراین مقصر دانستند و گفتند که امنیت با تسلیحات بیشتر به دست نمی‌آید. ده‌ها فعال مخالف جنگ در تصاویر و ویدئویی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، روی زمین مقابل تابلوی گر نیکا پابلو پیکاسو دراز کشیده‌اند.

## توقف حراج سوسک‌ها



بوستون: سازمان فضای آمریکا، ناسا از حراجی «آر. آر.» مستقر در بوستون خواست تا فروش خاک و گردوغبار جمع‌آوری شده از ماه را در مأموریت «پولو ۱» در سال ۱۹۶۹ میلادی که طی آزمایشی به سوسک‌ها خوراند شده بودند، متوقف کند. این آزمایش انجام شده بود تا مشخص کند که آیا خاک ماه حاوی عوامل بیماری‌زای تهدیدکننده زندگی زمینی هست یا نه. وکیل ناسا در نامه‌ای به حراجی «آر. آر.» اعلام کرد که گردوغبار جمع‌آوری شده از ماه و سوسک‌ها هنوز متعلق به دولت فدرال هستند.

## زندانی شدن در ۱۰۱ سالگی



بولین: یک زندانیان نازی به‌دلیل همکاری در کشتار زندانیان در سن ۱۰۱ سالگی محاکمه و به ۵ سال حبس محکوم شد. وی متهم به مشارکت و همدستی در قتل بیش از ۵۰۰ زندانی سیاسی-عقیدتی در اردوگاه زاکسنهاوزن در شمال برلین بین سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ است. اغلب زندانیان این اردوگاه را یهودیان و کمونیست‌ها تشکیل می‌دادند. رسانه‌های آلمان می‌گویند ژوزف شتوئر مسن‌ترین متهم به همکاری با رژیم فاشیستی هیتلری است که محاکمه شده است. به گفته مورخان یکی از خشونت‌بارترین انواع شکنجه و قتل‌ها در اردوگاه زاکسنهاوزن انجام گرفته است.

## خبر آخر



روز گذشته عبدالله گنجی، مدیر مسئول روزنامه همشهری با سید عباس صالحی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات دیدار کرد.